نـگاه

دیپلماسی بدون لکنت

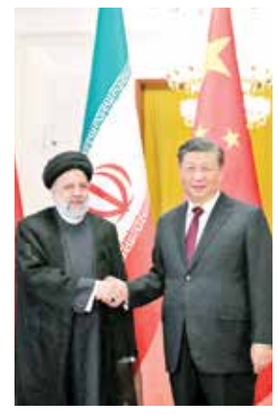

بـا روی کار آمـدن سـید ابراهیـم رئیسـی چتر دیپلماسـی جمهوری اسـلامی گسـترده‌تر شـده اسـت. رئیسـی پیش از آغاز به کارش از یک اتفاق تازه در سیاسـت خارجی خبر داده بود، آنجـا که برنامه‌های جدید خود را در حوزه دیپلماسی تشریح و اعلام می‌کرد تهران درصدد شـروع همـکاری تـازه و متـوازن بـا همـه کشـورهای جهان اسـت؛ رویکردی کـه در ماه‌هـای پـس از آن بـا بـه کارگیـری همـه ظرفیت‌های کشـور بـه منصه‌ظهور رسـاند و نشـان داد محـدوده دوسـتان و دشـمنانش را بیـش از هـر امـر دیگـری منافع ملـی‌اش تعییـن می‌کنـد و نـه گرایش‌هـای بنیادیـن بـه بلـوک قدرت‌هـای غـرب و شـرق.

رئیسـی امـا بـر خـلاف ادوار پیشـین کوشـید رویکرد خـود را در دیپلماسـی از سـویه تبلیغاتـی بـه بعـد تخصصی و اصولـی تغییر دهد؛ الگویـی که بـه واسـطه آن تحرکات دیپلماتیـک، هـم از منظـر مادی و هـم از منظـر معنـوی و حیثیتـی بر مبنـای هزینه-فایـده و بـه عبـارت سـاده‌تر نتیجه‌گرایـی مـورد توجـه قـرار می‌گیـرد. دولـت سـیزدهم راه رسـیدن بـه این نتیجـه مطلوب را ناظـر به اصـل «مقاومـت فعال» جسـت‌وجو کرد و در همان ۲ سـال نخسـت بـر بسـیاری از تحلیل‌های ادعایی علیه رویکرد دیپلماسـی‌اش مهـر باطـل زد؛ تحلیل‌هایـی که با ایـن پی‌رنـگ نگاشـته می‌شـد که بـر سـر کار آمـدن دولتـی اصولگرا بـا گفتمانـی کـه منتقـد رویکـرد دولت‌هـای گذشـته در سیاسـت خارجـی بـوده، می‌توانـد رشـته‌ها را پنبـه کنـد و از جمهوری اسـلامی ایران کشـوری منـزوی و ناتـوان در مقابلـه بـا تحریم‌ها بسـازد.

ایـن در حالی بود کـه رویکرد دولت سـیزدهم مبنی بـر ضـرورت تمرکز بـر ظرفیت‌های داخلـی و انتقاداتی که نسـبت به سیاسـت برجام‌محور دولت رئیس‌جمهور پیشـین مطرح کـرده بـود بـا مـوج گسـترده‌ای از انتقـادات روبـه‌رو شـد امـا اتصال زودهنـگام بـه منظومـه ارتباطـی منطقه و بین‌الملـل، تلاش‌هایی را که بـرای ارائه تصویـری غیرواقعی از رویکـرد دولـت او در عرصه خارجی بـه جریـان انداختـه بـود، نـاکام گذاشت.

دولـت رئیسـی و دیپلمات‌هایـش بارهـا بر تأسـی و پیـروی از نگاه‌ها، رویکردهـا و حتـی توصیه‌های مقام معظـم رهبـری تأکیـد و آن را نـه با لکنت زبـان که با صدای رسـا اعلام کرده‌انـد امـا مخالفانی کـه خود را بـه ندیـدن و نشـنیدن زده‌انـد، با چشم بسـتن بر واقعیات می‌کوشند تنور مناقشه در سیاسـت خارجی را بیفروزنـد و بـا ادعاهـای واهی داغ نگـه دارند.

اما همـه اینها در حالی اسـت که در ماه‌های اخیـر که قطار دیپلماسـی بعـد از عبـور از مسـیرهای دشـوار و نفسـگیر بـه ایسـتگاه‌های مهم و سرنوشت‌سـاز خود نزدیک شـده و فضا و اتمسـفر سیاسـی در تهران و پایتخت‌هـای عربـی تا حـد زیادی تلطیف شده، توپخانه جنگ تبلیغی مخالفـان از نفس افتاده اسـت چه آنکـه آنها دیگر سـوخت و سـوژه‌ای جدید برای زیر سـؤال بردن رویکرد دولـت رئیسـی در عرصه سیاسـت خارجـی ندارند.

اینـک ناظـران سیاسـی اتفاق‌نظر دارنـد که دولـت سـیزدهم در گذر دو سـال از عمـر خود، تصویـر ایران را در عرصـه مناسـبات بین‌المللـی دگرگـون کـرده اسـت چنانکـه کشوری که سیاسـت خود را تا دیروز بـه قهـر و لبخند قدرت‌هـای غربی گره مـی‌زد، در حـال ایفای نقشـی ماندگار در اجرای یـک رویکرد فعال و مسـتقلانه است.

سیاست خارجی واقع‌گرا و نتیجه‌بخش

تحولات حاکم بر سیاسـت خارجی فعال دولت سـید ابراهیم رئیسـی در دو سال گذشـته باعث شد تا یکی از فضاسـازی‌های سیاسـی و جناحی از سـوی منتقدان، در همین مدت کوتاه رنـگ ببازد. تأکید گفتمانـی دولت سـیزدهم بر تمرکز بـر ظرفیت‌های داخلی و سـعی برای خود اتکایی و جسـت‌وجوی راهکارهایـی افزون بر احیای برجـام از جمله مواردی بود کـه با نوعی کج فهمی و کـج تابی به عنوان مسـتندات این دیـدگاه مطرح می‌شـد؛ تحلیل‌هایی که گـذر زمان زیـر سـایه رویدادهایی همچون ترمیـم و تقویت رابطـه با کشـورهای عربی و اتصال بـه نهادهای بـزرگ همکاری منطقـه‌ای و جهانی اشـتباه بودنشـان را به رخ کشـیده اسـت. این گزارش سـعی دارد به برخی از تحولاتی کـه در واقعیت رخ داده است، بپردازد.

ستون پرقدرت جبهه مقاومت

ناکامی ایالات متحده در پرونده جدال‌های پیـدا و پنهـان بـا جمهـوری اسـلامی کـه از یـک نظـر جـدال میـان ایـران و رژیـم صهیونیسـتی و از نظـر دیگر جـدال محور مقاومـت هـم بـا امریـکا و هـم اسـرائیل اسـت، چهارچوب‌های سـابق خاورمیانه را دسـتخوش تغییر کرده است. «حزب‌الله»، «حشدالشـعبی»، «انصـارالله یمـن» کـه هـر کـدام از آنها نیـروی مؤثـر در ترتیبات امنیتی کشورهایشـان هسـتند، بـه ادعای کشـورهای غربی بازوهای ایـران در منطقه خوانـده می‌شـوند؛ گروه‌هایـی که همگی در مواجهه بـا رویکرد مداخله‌جویانه ایالات متحده و شـرکایش از پشتوانه حمایت‌های معنوی، مستشـاری و غیرنظامی جمهوری اسـلامی بهره‌منـد بوده‌اند.

چندین شکسـت متوالی غـرب از جمله در جنگ سوریه که یکی از اهداف آن بستن راه ارسـال کمک‌های تسلیحاتی به جریان‌های مقاومـت در لبنان و فلسـطین بود، هدف قـرار دادن جریان‌هـای مقاومـت عـراق از سـوی امریکا پـس از اشـغال این کشـور و سـپس آوردن گـروه تکفیـری تروریسـتی داعـش بـرای حملـه بـه عـراق و از میان بردن این جریان‌ها که به «حشدالشـعبی» تبدیل شـدند و همچنین جنگ فرسایشی عربسـتان علیـه جنبـش انصـارالله یمن بهانه‌هایـی را بـرای پیگیـری گزینه‌هـای نظامـی و ماجراجویی‌هـای جنگـی غـرب بـرای خلع سـلاح محـور مقاومـت فراهم کرد. کشـورهای غربی فشـار و تحریم‌های بی‌سـابقه بر ایران ذیـل پرونـده مذاکرات احیای برجام را فرصتی دیدند تا به واسـطه آن، خواسـته‌های خـود مبنـی بـر متوقف کـردن ایـران در حمایـت از جریان‌هـای مقاومـت و آزادسـازی فلسـطین را بـه آن تحمیل کنند. فـارغ از نقش ایران در زمینه کمک‌های مستشـاری به دولت‌های بغداد و دمشـق بـرای مقابله بـا گروه تروریسـتی داعـش، پیوندهـای کشـورمان بـا جبهـه مقاومـت پـس از روی کار آمـدن دولـت سـیدابراهیم رئیسـی، ابعـادی همه‌جانبه پیـدا کـرد. سـفر چند مـاه پیش رئیسـی به دمشـق بعد از قریـب به ۱۲ سـال از آغاز بحـران ظهـور داعـش و جنـگ داخلی در سـوریه، بیش از هر چیـز پیـام‌آور وفاداری تهران به سـوریه به عنوان یکی از کشورهای کانونـی محـور مقاومت بـود و از یـک دوره گـذار ژئوپلیتیـک در جغرافیـای این جبهه مبـارز حکایـت می‌کـرد. رویکـرد حمایتی دولـت سـیزدهم از جبهـه حـزب‌الله نیـز در رونـد بحرانـی کمبود سـوخت در لبنان پدیدار شـد؛ جایی که ایران به درخواسـت حزب‌الله برای ارسـال سـوخت به لبنان به منظـور حل مشـکل کمبـود سـوخت این کشـور پاسـخ مثبت داد و عملاً بـر تقویت دوسـتی و اعتمـاد میـان دو ملت ایـران و لبنان و افزایش محبوبیـت حزب‌الله لبنان اثر گذاشـت. این کمک ایـران به حزب‌الله سـبب شـد، امریکا که سـال‌ها دلیلی برای عدم شـروع پـروژه انتقال سـوخت از مصر به لبنان به شـمار می‌آمد، سـرانجام با این طرح که بخشـی از آن هم از طریق سـوریه تکمیل می‌شود، موافقت کند. «شیخ نعیم قاسم» معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان گفت که واردات گازوئیل از ایران باعث سردرگمی امریکا و عجله آنها بـه منظور یافتن راه‌حلی برای بحـران انرژی لبنان شـد.

در چنیـن فضایـی تقویت جبهـه مقاومت با نقش‌آفرینـی جمهوری اسـلامی موجب شـگفتی هیچ یک از ناظران نشـده است. دیگـر تضعیف یا از میان بـردن این جریان، غیرممکـن بـه نظـر می‌رسـد و نمی‌تـوان حمایت‌های سیاسـی و دیپلماتیک قدرت اثرگـذاری همچـون ایـران از ایـن محور را نادیـده گرفت.

خنثی‌سازی ایران‌هراسی در منطقه

وقتـی روزنامـه امریکایـی «وال اسـتریت ژورنـال» شـروع دور جدیـد رابطـه ایران و عربسـتان را عاملـی بـرای پیچیده‌تـر کـردن تلاش‌هـای امریکا و رژیم اسـرائیل برای تقویـت اتحاد منطقـه‌ای علیه تهران خواند، معلـوم بود زمینه‌هـای تحقق این مهـم از مدت‌ها پیـش از آن در منطقه رخ نمـوده بـود؛ وضعیتـی که محصـول یکی از موقعیت‌شناسـی‌های رشـک برانگیز دولت سـیزدهم بود و در پی آن کشورهای غربی به تماشـای اوج گرفتـن رابطه ایران و بازیگران عربی منطقه نشسـتند. نتیجه دیپلماسـی اصولی دولت رئیسی بازتابش را در تغییـر رویکرد اعراب بویـژه حاکمان سـعودی نشـان داد و آنها را بر آن داشـت تـا در رویگردانـی آشـکار از سیاسـت‌های پیشـین خـود، اعلام کننـد تمایـل دارند فصـل جدیدی از مناسـبات با ایـران را در وجه «راهبـردی» رقم بزنند، امـا نقطه آغاز ایـن تحولات کجـا بود؟

سـید ابراهیم رئیسـی در حالی با تأکید بر ضرورت کنار گذاشـتن رقابت‌های مخرب و نابجا، از ایـده همـکاری درون‌منطقه‌ای همه کشـورهای خاورمیانه سـخن به میان آورد و دیپلمات‌هایـش را مأمور به پیگیری آن کـرد که بسـیاری تحقق این الگـوواره را بر اساس مسـائلی چون وجود هویت‌های متکثر، ارزش‌هـای ایدئولوژیـک متفاوت، پیش‌بینی‌ناپذیـری و وجـود حکومت‌های دست‌نشـانده و وابسـته به امریکا و غرب غیرممکـن دانسـته و این سـؤال را مطرح می‌کردند کـه «گیریم همـکاری جمهوری اسـلامی مدنظر شـکل گرفت اما اگر روزی بازیگـران قدرتمنـد بانفـوذ فرامنطقه که ناظـران و مدعیـان ثبـات نظـم منطقـه هسـتند، حـول ایجـاد محدودیت‌هـای منطقـه‌ای خارج از چهارچـوب علیه ایران بـه اجمـاع برسـند، تکلیـف چـه خواهد بـود؟!» انتقاداتـی کـه تحـولات اخیـر و تجدیدنظـر کشـورهای عربـی در ترمیم و تقویت رابطه با جمهوری اسـلامی، پاسـخ روشـنی به آن بود.

این‌چنیـن بـود کـه پیـش بـردن روابـط دیپلماتیـک مؤثـر بـا عربسـتان و اغلـب کشـورهای منطقـه که بـه نحـوی در دایره نفوذ این کشـور قرار دارند، به نقطه عزیمت دولت سـیزدهم در تحقق منافـع امنیتی و اقتصـادی‌اش در منطقه تبدیل شـد؛ امری کـه می‌توان از جملـه پیامدهای بلندمدت امنیتـی‌اش را در بی‌اثـر کـردن سـناریوی «ایران‌هراسـی» و تحت‌تأثیـر قـرار دادن روند عادی‌سـازی رابطه رژیم صهیونیستی و کشـورهای عربـی در برآب کردن نقشـه اشـغالگران قدس بـرای ایجاد یـک محور فشـار عربی-عبری علیه جمهوری اسلامی ایـران، ارزیابی کرد.

در اشـاره‌ای کوتـاه بـه رویکـرد اقتصـادی به‌عنـوان یکـی از ابعـاد مهم تحـولات رخ نمـوده میـان ایـران و عربسـتان و دیگـر کشـورهای عربـی، بایـد بـه گزارش‌های موجود از ۱۰ ابرطرح توسـعه‌ای جهان اشاره کـرد که در حال حاضر ۵ طـرح آن به ارزش بیـش از یک تریلیـون دلار در خلیج‌فارس در حـال اجراسـت. این طرح‌هـا در قالب چشم اندازهای توسـعه ۲۰۳۰ در عربستان و قطـر و ۲۰۳۰، ۲۰۵۰ و ۲۰۷۱ امـارات اجـرا می‌شـود. بدیهـی اسـت اجـرای تدریجی ایـن طرح‌هـا، حـوزه عربـی خلیج‌فارس را بـه قطب‌هـای اقتصادی در تـراز جهانی تبدیـل می‌کند و همین می‌توانـد به اقتدار اقتصادی و فرهنگی این کشورها منجر شود و لاجـرم به‌عنـوان عنصـر تعیین‌کننده در بافت قـدرت و موازنـه قوا در شـکل‌گیری صحنـه ژئوپلیتیـک منطقـه تعیین‌کننده باشد.

حاکمـان سـعودی و کشـورهای نزدیک به آن در حالـی ایـن واقعیـت عینـی را درک کرده‌انـد که بـدون همکاری با ایـران قادر به ایجـاد نظم جدیـد منطقه‌ای نیسـتند و نمی‌تواننـد از امکان‌هـای بالقـوه آن برای تحقق اهـداف بزرگ اقتصـادی خود بگذرند کـه اگر دولـت سـیزدهم در برابر رویـه غیریت‌سـاز عربسـتان، سیاسـتی غیـر از تمایـل بـه کاهـش اختلافـات و ایجـاد سـازکار جدیـد همـکاری در پیش می‌گرفت، چشـم‌انداز روشـنی برای آینده ایـن مناسـبات قابـل پیش‌بینـی نبود.

وزنه‌ای تاثیرگذار برای دلارزدایی

عضویـت تاریخی ایـران در «بریکس»، آن را به یکی از طرح‌های سـازکار جدید همکاری در عرصـه منطقه و بین‌الملـل تبدیل کرده که نقطـه عزیمت خود را در جسـت‌وجوی راهکارهای عملی بـرای ایجاد یک ارز جدید بـه جای دلار امریکایی قـرار داده تا مانع آن شـود که کاخ سـفید بیش از ایـن از دلار به عنـوان منبعـی بـرای تهدید و یک سـلاح کشـنده علیه مخالفان اسـتفاده کند.

ماجـرای پـر قصـه دلار از سـال ۱۹۴۴ آغاز شـد؛ جایی که فرانسـه، آلمـان و انگلیس و کشـورهای تحـت نظر آنها در کنفرانسـی به منظور سـاماندهی اوضاع مالـی و پولی بعـد از جنـگ جهانـی دوم، خـود را بـه اسـتفاده از دلار برای مبادلات شـان متعهد کردنـد. امریکا ارزش دلار را برابر یک سـی و پنجم اونس طلا تعیین کرد، سـپس سـایر کشـورها ارزش پول‌های خود را بر حسـب دلار تعریـف کردند و بدین شـکل داسـتان سـلطه بی‌پایـان امریکایی‌ها آغاز شـد. در سـال ۱۹۷۱ نیکسـون، رئیس‌جمهور وقت امریکا به طور رسـمی قانـون تبدیل دلار به طلا را لغـو کرد و هم‌اکنـون در دنیا بیش از ۶۰ درصد از ذخایر ارزی کشـورهای جهان و همچنین مبـادلات بین‌المللی با واحد پول ایالات متحده اسـت.

امریکا بـرای تحمیل خواسـته‌های خود بر سایر کشورها از دلار و سـاختارهای مربوط بـه آن به عنـوان ابزار فشـار اسـتفاده و از مبـادلات بین‌المللـی آنها جلوگیـری کرد؛ رویکردی که یکـی از مهم‌ترین اهدافش در روند ضدیـت با ایران و در قالب تحریم‌های ظالمانه به اجـرا درآمد.

نخسـت کشـورها در واکنش بـه بهره‌جویی امریکایی از دلار، با انعقاد قراردادهای دوجانبه تصمیم به تبـادلات اقتصادی بـا ارزهای غیر دلار گرفتنـد کـه سـلطه ایـالات متحـده بر نهادهـای اقتصـادی مهـم دنیا نظیـر گروه هفـت، گـروه ۷۷، بانـک جهانـی، صندوق بین‌المللـی پـول و فشـار ایـن گروه‌هـا به کشـورهای تصمیـم گیرنده مبـارز علیه دلار، پیمان‌های دوجانبـه را بی‌اثر کـرد و همگان را به خانـه اول بازگرداند. این چنین شـد که کشـورهای بـزرگ و متأثـر از این رویکـرد، به تدریـج به سـمت ایجاد سـاختارهای موازی سیسـتم دلار در قالـب «بریکـس» حرکـت کردند و ایـده دلارزدایی از تبادلات اقتصادی را با هدف شکست انحصار امریکا شکل دادند.

به ایـن ترتیب با «بریکس» موجی آغاز شـده کـه بی‌تردیـد حملـه‌ای همه‌جانبـه علیـه سـلطه دلار امریـکا خواهد داشـت و در این میان، پیونـد ایران به این گـروه بین‌المللی، آن را نیـز در جرگـه کشـورهای مبـارز بـرای شکسـتن دلار قـرار می‌دهد و فرصتـی برای این ائتـلاف جهـت راه‌اندازی سـونامی ضد دلار فراهم می‌سـازد.

دیپلماسی سرگردان و بایدن ناامید

تمرکـز دولـت سـیزدهم بـر سیاسـت منطقـه‌ای به ایـن معنـا نبود کـه مذاکره بـا غـرب بر سـر رفـع تحریم‌هـا جایی در راهبرد همـه جانبـه دولت سـید ابراهیم رئیسـی در عرصه سیاسـت خارجی ندارد. آزادسـازی میلیاردهـا دلار اموال مسـدود شـده ایران در کـره جنوبـی در ازای تبادل شـماری از زندانیان امریکایـی اولین ثمره مذاکرات غیر مسـتقیم تهران و واشنگتن برای گشـودن گره فروبسـته مذاکرات رفع تحریم‌هـا بود که دو هفته پیـش به انجام رسـید؛ رونـدی که بـه گفته علـی باقری، رئیس هیأت مذاکراتـی ایران، امریکایی‌ها را ناگزیر به عقب‌نشـینی از خواسـته‌هایی کرد که پیشـتر مذاکرات احیای برجام را به آن گـره زده بودند.

ایـن تفاهـم کـه بـه نظـر می‌رسـد در صـورت اجـرای تعهـدات، راه را بـرای تبـادل نظـر پیرامـون دیگـر موضوعـات اختلافـی بویـژه تحریم‌ها همـوار کند، از دیپلماسـی مقتصدانـه و هدفمنـد دولت رئیسـی حکایـت می‌کنـد. دیپلماسـی دولت سـیزدهم در شـرایطی که از بخش مهمـی از زمـان و نیـروی خود بـرای حل تدریجـی چالش‌هـای سیاسـت خارجـی در اسـتراتژیک‌ترین موقعیت‌هـا بهـره گرفته، بخشـی دیگـر از سـرمایه‌اش را در حل مسـأله تحریم‌هـا و در رونـد مذاکره غیرمسـتقیم با ایالات متحده به کار گرفته و بـه ایـن ترتیب عمـق نفـوذ دیپلماتیک خـود را پای میـز مذاکـرات بـه رخ طرف مقابل کشـیده اسـت.

اینچنیـن بـود امریکایـی کـه در ماه‌های نخسـتین دولـت سـیزدهم بـه واسـطه سیاست‌های دولت پیشین، تعیین تکلیف مذاکرات را به بوته فراموشـی سـپرده بود، ناگزیر شـد به سیاستی روی آورد که ناظران غربی آن را پلن «C» نام گذاشـتند. «هنری روم»، تحلیلگر ایران در مؤسسه واشنگتن درباره سیاسـت خاور نزدیـک، در این باره می‌گویـد: «سیاسـت اولیـه بایـدن طرح A یعنـی احیـای برجـام بـود کـه دولت تـلاش کـرد در سـال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به آن دسـت یابد. این تلاش شکست خورد. طرح B توسـط اسرائیلی‌ها و برخی ناظران در واشـنگتن با تشـدید فشـار اقتصادی، سیاسـی و نظامی بر ایران برای وادار کردن ایران به پذیرش توافق بهتر ارائه شـده بود کـه این طرح نیـز راه بـه جایی نبـرد و در نهایت دولت بایدن ناچار شـد به سـمت اجرای طـرح C گام بردارد کـه از روی اجبار برای کاهش تنـش بود.

رسـانه «هیل» وابسـته به کنگره امریکا در تحلیلـی دلایـل رجـوع «بایدن» بـه طرح «C» را با پافشـاری او در روند تداوم بخشیدن بـه سیاسـت‌های تحریم شکسـت خورده دونالـد ترامـپ رئیس‌جمهـور سـابق و جمهوری‌خـواه ایـن کشـور جسـت‌وجو می‌کنـد؛ جایـی که دولـت بایـدن انتظار داشـت ایران اولیـن گام را بـردارد و با این رویکـرد یـک فرصـت بـزرگ را از دسـت داد. ایـن درحالـی بود کـه به اعتقـاد این رسـانه، ایران پس از خـروج امریکا اجرای بخش‌هایـی از برجـام را متوقف کـرد، اما هرگز توافـق را به‌طـور کامل تـرک نکرد و این نشـان‌دهنده هوشـمندی بود. با این حـال، دولت بایـدن از همان ابتـدا از لغو تحریم‌هـا خـودداری کرد.

بنابرایـن «هیـل» در این گـزارش معترف می‌شـود که تحریم‌های اقتصـادی امریکا بیـش از آنکه بـرای مـردم این کشـور کار کرده باشد، اثرات گسـترده‌ای برای اقتصاد جهانی و منافع ملی امریکا داشـته اسـت.